

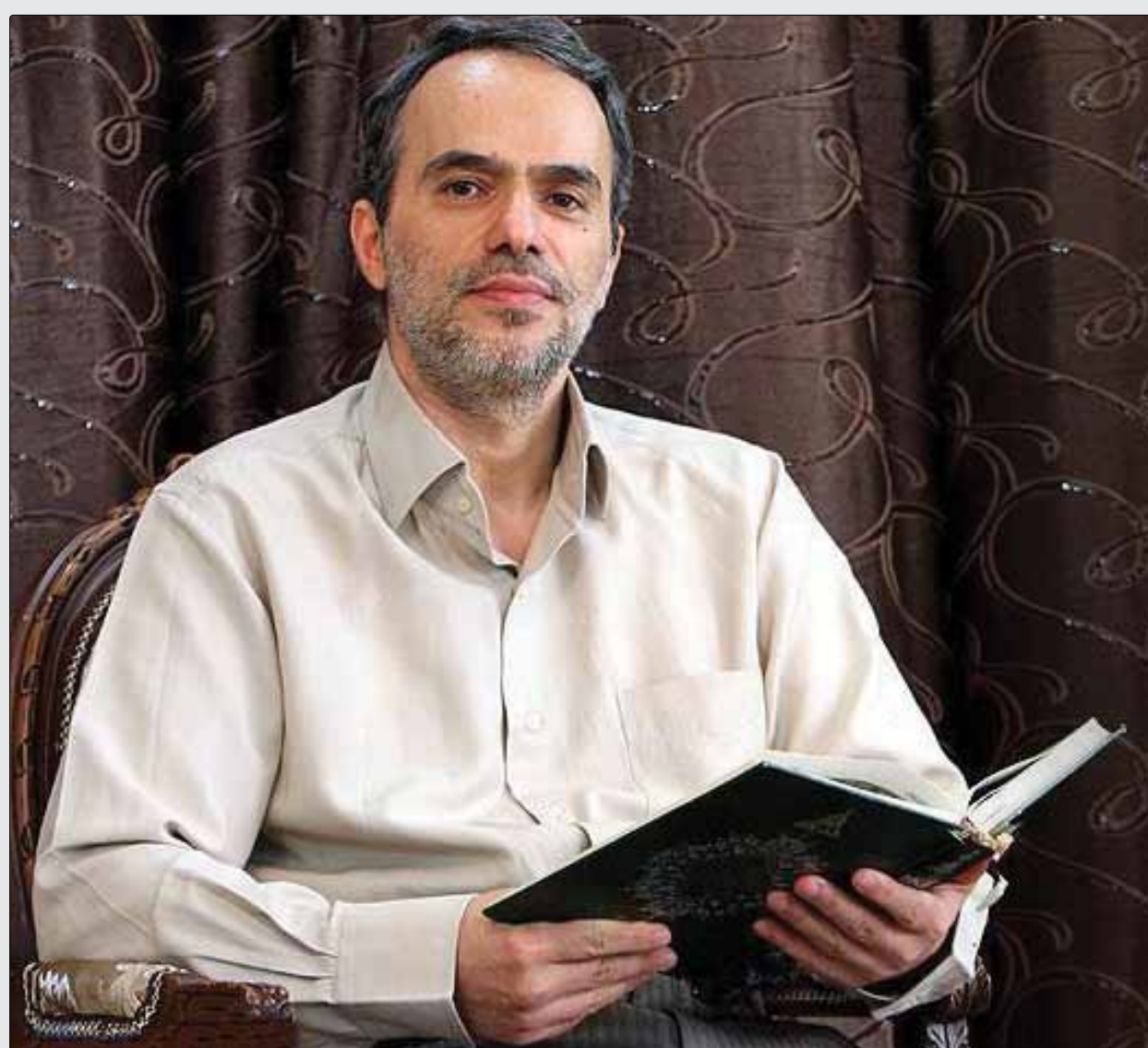


## کمی هم

# روضه قرآن بخوانیم

گفت و گوی «وطن امروز» با شهربار پرهیزکار  
از حافظان و قاریان بین المللی قرآن کریم

گروه دین و اندیشه: نوای قرائت قرآن استاد پرهیزکار، برای همه ما صدای آشنایی است؛ چه آن روزهایی که در کلاس‌های مدرسه در درس قرآن، معلم صدای قرائت ایشان را برای ما پخش می‌کرد، چه در روزهای ماه رمضان که هنگام نماز تریل‌ها و تلاوت‌های ایشان پای رحل قرآن می‌نشستیم. شهربار پرهیزکار که سال‌هاست چهره نام‌آشنای عرصه فعالیت‌های قرآنی است، در گفت‌وگو با «وطن امروز» با اشاره به جدایی‌ناپذیری قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام، به بررسی ضرورت افزایش اختصاص سهم بیشتری به موضوعات قرآنی در هیئات مذهبی و عزاداری‌های ماه محرم پرداخت.



یک آیه توضیح دهند، درصد نامیدکننده‌های امکان پاسخگویی دارند و بسیاری نمی‌توانند پشتوانه قرآنی حرکت امام حسین(ع) را بیان کنند و بگویند دلیل «نه» بزرگ امام حسین(ع) به بیعت با طاغوت چه بود؟ مشکلی که ما داریم این است که نمی‌توانیم از قرآن دلیلی بیابیم تا افراد را از قرآن که سمت امام حسین(ع) هدایت کنیم. تفسیر قرآن با قرآن داریم که از قرآن به قرآن برسیم، اما آیا توانستیم از طریق قرآن افراد را حسینی کنیم؟ ما خیلی خیلی از قرآن دور افتاده‌ایم و کوتاهی کرده‌ایم، البته ما تقصیر کردیم؛ قصور برای کسی است که دستش نمی‌رسد اما ما می‌توانستیم، موقعیتش را داشتیم و چنین کاری نکردیم.

**دوری از قرآن نتیجه نافرمانی از ولی‌فقیه است**  
مصیبت دوری از قرآن گریبانگیر همه دنیای اسلام است. در ایران لفظ قرآن مهجور است و در کشورهای دیگر مثل امارات و عربستان و... که حافظان بسیاری دارند و مسابقات حفظ قرآن ششماه هم دارند، اصل قرآن غریب و مهجور است و با روح آیات الهی بیگانه هستند، البته کشور ما هنوز روح قرآن کامل حکمفرما نیست، اگر بود اینقدر ناهنجاری داشتیم؟ همه اینها به این امر بازمی‌گردد که ما ولی‌فقیه را احترام می‌کنیم اما در عمل به رهنمودهای ایشان بی‌توجه هستیم. برخی هم که متأسفانه دم از اطاعت از ولی‌فقیه می‌زنند اما در عمل معلوم می‌شود که دروغ می‌گویند. علمای حوزه و اساتید دانشگاه و آموزش‌وپرورش باید

**بر خلاف نظر برخی کوهن‌فکران و به اصطلاح روشنفکران که عزاداری برای اهل‌بیت(ع) را موجب افسردگی می‌دانند، گریه برای امام حسین(ع) از روی استیصال نیست، بلکه سازنده است و انسان را زنده می‌کند و چه بهتر عزاداری را با انس با قرآن بیامیزیم. امسال قرآن هم گریه کنیم و به حال مصیبت خود که چرا از قرآن دوریم، اشک بریزیم**

ببایند مشکل را آسیب‌شناسی کنند. مشکل از همان دوران کودکی است. ما نمی‌توانیم از جوان ۲۵-۲۰ ساله بخوایم چنین کنیم. بچه باید از کودکی با قرآن آشنا شود، نه از ۴۰ سالگی، ۲۰ سالگی و ۷۰ سالگی یا سال‌های آخر عمر که تازه برخی یادشان می‌افتد خواندن سوره حمد را بیاموزند. آموزش موفق از مقطع قبل از دبستان با برنامه باید انجام شود. اگر بخوایم دین‌شناسی به جامعه بیاموزیم، باید از کودکی تربیت دینی را آغاز کنیم.

**چه پیشنهادهایی برای هیئات مذهبی دارید که بتواند جایگاه قرآن را در هیأت خود پررنگ‌تر کند؟**  
از هیأت‌ها و عزاداران امام حسین(ع) می‌خواهم حداقل امسال را بیشتر به قرآن اختصاص دهند. امسال عزاداری حسینی قرآنی داشته باشند و سهم قرآن را بیشتر کنند و به دنبال این بروند که فلسفه قیام عاشورا و حماسه حسینی را با استناد قرآن بیاموزند و مقداری هم برای قرآن گریه کنند. همان‌طور که امام خمینی(ره) فرمودند ظلمی در حق اهل‌بیت(ع) شده، مستقیماً در حق قرآن شده است. بر خلاف نظر برخی کوهن‌فکران و به اصطلاح روشنفکران که عزاداری برای اهل‌بیت(ع) را موجب افسردگی می‌دانند، گریه برای امام حسین(ع) از روی استیصال نیست، بلکه سازنده است و انسان را زنده می‌کند و چه بهتر عزاداری را با انس با قرآن بیامیزیم. امسال همه برای مهجوریت و مظلومیت قرآن هم گریه کنیم و به حال مصیبت خود که چرا از قرآن دوریم، اشک بریزیم.

عملیاتی شود، در این صورت ما می‌توانیم بهشت موعود یا حیات طیبه دنیوی را تجربه کنیم. بنابراین باید اوامر ولی فقیه اجرا شود، نه اینکه صرفاً بگوییم «همین‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند» یا اینکه «با توجه به فرموده ولایت فقیه» فقط در لفظ و زبان آن را تکرار کنیم و در آخر رهنمودها و هشدارهای ولی فقیه عملیاتی نشود. طبیعتاً این زندگی حیات طیبه نخواهد بود.

ممکن است برخی افراد از این حرف‌های من خوششان نیاید اما این مطالبی که می‌گویم بر اساس آیات الهی و روایات معتبر است. اگر واقعا کسی از این حرف‌ها خوشش نمی‌آید، یعنی از قرآن خوشش نمی‌آید، نه از حرف بنده به عنوان یک فرد. این سخنان قبل از اینکه سیاسی باشد، حرف قرآن و روایی است. منطقی و پشتوانه اینها هم قرآن و روایات است.

**به نظر می‌رسد در ماه محرم آنطور که باید و شاید به قرآن توجه نمی‌شود، گویی محوریت قرآن مختص ماه رمضان است و این سیره در ماه محرم جایگاهی ندارد؛ نظر شما در این رابطه چیست؟**

ما نه فقط ایام خاص یا در محرم و بخت عاشورا و قیام امام حسین(ع)، بلکه در همه امور و همه زندگی می‌تواند نمونه‌ای از زندگی بهشتی در هر گاه که کسی از پشتوانه قرآنی و ساینده روایی تصمیم‌گیری‌ها اطلاع ندارد. وقتی موضوعی مطرح می‌شود، آیا مردم از سابقه قرآنی آن مطلب خبر دارند؟ هنوز نتوانستیم درباره مطلب سیاسی اعتقادی یا هر مطلبی دلیل قرآنی آن را بیان کنیم. مثلاً وقتی می‌گوییم نباید با آمریکا رابطه داشته باشیم، پشتوانه قرآنی آن چیست؟ چند نفر می‌توانند دلیل قرآنی و روایی بیابورند؟ چند نفر می‌دانند که خدا راه‌ها را به ما نشان داده است؟ خیلی از مردم از مردم ما دانش قرآنی ندارند تا بتوانند برای امور مختلف و تصمیم‌گیری‌ها ادله قرآنی بیابورند. آنقدر با قرآن و فرهنگ قرآنی انس و آشنایی ندارند که بخوایم پشتوانه قرآنی هر کاری را می‌خواهیم انجام دهیم، از آنها بخوایم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند ما ۱۰ میلیون حافظ قرآن می‌خواهیم اما هنوز برخی به ضرورت آن واقف نیستند. این مطالبه رهبر معظم انقلاب برای آن است که ما کسی می‌خواهیم که اگر فردا گفتیم این اقدام بر کدام استدلال قرآنی است، بتواند پاسخگو باشد و ادله بیابورد و بگوید آیا دشمنی و دوستی ما از روی هوای نفس است یا دلیل قرآنی دارد؟ این برات با ولایت، تولی یا تبری پشتوانه قرآنی دارد یا هوس است. این مطالبه ۱۰ میلیون حافظ قرآن از این باب است.

**حیات طیبه دنیوی با عمل به دستورات ولی فقیه**  
ما زندگی بهشتی در دنیا هم داریم که برای افرادی است که تحت ولایت‌الله باشند. البته نه در کلام، بلکه از هر منظری بویژه در عمل؛ نه اینکه ولی امر را تجلیل و تکریم کنند اما به اوامرش توجه و عمل نکنند یا اینکه در جمع او را محترم بشمارند ولی رهنمودهایش اجرائی نشود. زمانی ولایت‌الله زندگی انسان را بهشتی می‌کند که ولی خدا چه رسول‌الله(ص) و ائمه اطهار(ع) یا حتی آنهایی که بر اساس دستورات دین و روایات بر امت اسلام ولایت دارند، به عنوان حاکم بر جامعه بوده و دستوراتشان

جمع شد که امام حسین(ع) می‌خواستند به چنین آیات الهی جامه عمل ببوشانند و به نوعی از عبادت و پذیرش حکومت طاغوت به صورت مستقیم و غیرمستقیم دوری کنند. بر همین اساس، هر چه شعائر امام حسین(ع) را در محرم بویژه تاسوعا و عاشورا و بعدش ماه صفر و اربعین تعظیم کرده و بزرگ بشماریم، از جهت عظمتی که امام حسین(ع) و یاران‌شان این روزها را آفریدند، به همان میزان و باران‌شان این روزها را آفریدند، به همان میزان قرآن را تعظیم و به آیات الهی عمل کرده‌ایم، چرا که قرآن و عترت از هم جدایی‌ناپذیرند. از همین جنبه وابستگی و یکی بودن قرآن و عترت، می‌توان دریافت امام حسین(ع) تجلی آیات قرآن کریم بودند و تا آخر عمر در مقابل طاغوت ایستادگی کردند و همین امر نشانگر یکی بودن حماسه عاشورا با حقایق قرآنی است.

**شما از منظر انسانی که بخش مهمی از زندگی خود را وقف قرآن کرده‌اید، مهم‌ترین درس قیام عاشورا و نهضت حسینی را برای ما چه می‌دانید و چگونه باید آن را در زندگی خود عملیاتی کنیم؟**

مهم‌ترین درس زندگی و سیره نهضت حسینی، اجتناب از طاغوت است و اینکه ما نپذیریم در حکومتی زندگی کنیم که توسط طاغوت اداره می‌شود. البته نه تنها ما، بلکه امت اسلامی باید به این امر توجه کند، چرا که این دستورات قرآن است. در حکومت طاغوت، شما حق ندارید به محاکمی که طاغوت تعیین کرده است، بروید و حق خود را بخواید. همان‌طور که پیش از این گفتیم، مبنای ولایت فقیه نیز همین است. اینجا سوال پیش می‌آید که اگر ما از سوی خداوند متعال مجاز نیستیم که حق خود را از راه طاغوت بگیریم، پس راه دیگر زندگی چیست؟ مسیر دیگر این است که از طریق ولایت الهی و اولیای الهی که خداوند فرمودند «ولایت اینها ولایت من است» زندگی کرده و با هم مرادوات داشته باشیم یا اموال خود را به تصرف درآوریم.

جامعه اسلام نباید اجازه دهد طاغوت بر آن حاکم شود. اگر مبنای الهی و قرآنی درست پیاده شود، همین زندگی می‌تواند نمونه‌ای از زندگی بهشتی در این دنیا باشد. همان‌طور که خداوند در سوره نحل نیز وعده داده و فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس از مرد و زن کار نیکي به شرط ایمان به خدا به جا آرد، ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده اید می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکي که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم». بنابراین افرادی که درست و بر مبنای الهی زندگی کنند، حیات طیبه به عنوان نمونه بهشتی دنیوی نصیب‌شان می‌شود و خداوند وعده بهشت را در همین دنیا به آنها داده است.

**حماسه عاشورا ظهور همان حقایق قرآنی است**  
کاری هم که امام حسین(ع) انجام دادند و در همان راه ایشان و یاران‌شان به درجه رفیع شهادت رسیدند و خانواده‌شان به اسارت رفتند، در جریان همین آیات قرآنی بود. یعنی وقتی به ایشان پیشنهاد دادند و گفتند باید به طاغوت یعنی یزید بیعت کنید، سیدالشهدا(ع) قبول نکردند. از همین جا یعنی نپذیرفتن بیعت با حکومت طاغوت بود که وارد فاز مبارزاتی شدند و از مدینه به مکه و بعد کوفه و کربلا حرکت کردند و واقعه عاشورا در کربلا شکل گرفت. بنابراین همه مفاهیم در زندگی امام حسین(ع) از هجرت، اسارت و اینگونه شهادت در این مطلب

آن یتَخَاكُمُوبَا إِلَى الطَّافُوتِ وَقَدْ أَمْرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ آیا ننگرستی به حال آنان که به گمان (و دعوی) خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده‌اند، چگونه باز می‌خواهند دآوری به طاغوت برند در صورتی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند گمراهی دور (از هر سعادت)». بر اساس این آیات الهی نباید کسی که ادعای ایمان به خداوند و پیامبر اعظم(ص) دارد، حتی برای گرفتن حق خود به حاکمان طاغوت مراجعه کند. همچنین پرستش طاغوت منع شده و آنهایی که برای گرفتن حق خودشان هم به سوسی طاغوت می‌روند، مورد سرزنش قرار می‌گیرند. باید توجه داشت اگر طاغوت به نفع آنها حکم هم دهد، این حکم پذیرفتنی نیست، چرا که مسلمانان نباید حکم طاغوت را بپذیرند و خدا به آنها اجازه نمی‌دهد آن چیزی را که به نفعش حکم شده نیز تصرف کنند. این آیات لزوم حاکمیت الهی و ولی فقیه را روشن می‌کند و مبنای حکومت ولایت فقیه است.

**رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند ما ۱۰ میلیون حافظ قرآن می‌خواهیم اما هنوز برخی به ضرورت آن واقف نیستند. این مطالبه رهبر معظم انقلاب برای آن است که ما کسی را می‌خواهیم که اگر فردا گفتیم این اقدام بر کدام استدلال قرآنی است، بتواند پاسخگو باشد و ادله بیابورد و بگوید آیا دشمنی و دوستی ما از روی هوای نفس است یا دلیل قرآنی دارد؟ این برات یا ولایت، تولی یا تبری پشتوانه قرآنی دارد یا هوس است. این مطالبه ۱۰ میلیون حافظ قرآن از این باب است**

سبباً؛ ندیدی آنان که بهره‌ای از کتاب آسمانی داشتند (یعنی جهودان) چگونه به (بتان) جبت و طاغوت می‌گروند و درباره کافران مشرک می‌گویند که راه آنان به صواب نزدیک‌تر از طریق اهل‌ایمان است». یا اینکه در سوره مائده داریم: «قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِشِرِّ مِنَ ذَلِكُمْ مُؤَبَّةٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ لَعْنَةِ اللَّهِ وَغَضَبِ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرَّةَ وَالْخَازِرِيَّ وَعَبْدَ الطَّافُوتِ أَوْلِيَّكُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَأَقْبَلُ عَنْ سُوءِ الشَّيْلِ؛ بگو (ای پیغمبر): آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پادشاه است؟ کسانی که خدا بر آنها لعن و غضب کرده و برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ نموده و آن کس که بندگی طاغوت (شیطان) کرده. این گروه را (نزد خدا) بدترین منزلت است و آنها گمراه‌ترین مردم از راه راست هستند».

کمی هم در بررسی واقعه عاشورا، مساله محوریت قرآن در سیره و سنت امام حسین(ع) است؛ تا جایی که بنا بر نقل‌های تاریخی یکی از اصلی‌ترین علت‌های فرود دیرتر آغاز شود، علاقه و محبت شدید ایشان نسبت به قرائت قرآن بوده است. با این نگاه قصد داریم مروری کنیم به نسبت اهل‌بیت و قرآن کریم. بلکه امام خمینی(ره) در ابتدای وصیتنامه سیاسی - الهی‌شان به وابستگی نقل اکبر که قرآن است، با ثقل کبیر که اهل‌بیت(ع) است، اشاره دارند و تعبیر جالبی نیز در این زمینه ارائه داده‌اند که کمتر به آن پرداخته شده است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران فرموده‌اند: در طول تاریخ هیچ ظلمی به قرآن نشده، الا اینکه به همان اندازه به عترت پیامبر اعظم(ص) ظلم شده است، و برعکس، هیچ ظلمی به عترت پیامبر(ص) نشده. جز اینکه به همان اندازه به قرآن هم ظلم شده است. بنابراین وقتی می‌خواهیم به بررسی واقعه عاشورا که یک ظلم بی‌سابقه در تاریخ است و در سال ۶۱ هجری در عاشورا اتفاق افتاد بپردازیم، متوجه می‌شویم همه این ظلم و ستم‌ها و حتی تجاوز به حریم حرم پیامبر و اهل‌بیت(ع) که انجام شد، در اصل در حق قرآن بوده است. علاوه بر این، در زیارت عاشورا هم می‌خوانیم «مُصِيبَةٌ مَا أَغْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ چه مصیبت بزرگی است آن مصیبت و چه دشوار و طاقت‌فرسا است آن عزا در اسلام و در همه آسمان‌ها و زمین». واقعه عاشورا ظلم به شخص نبوده، بلکه ظلم به قرآن، عترت و تقلین بوده که اساس دنیا برای وجود آنها بنا شده است. به همین دلیل مصیبت منحصر به فردی است.

می‌توان واقعه عاشورا را از منظر دیگری هم بررسی کرد. وقتی چنین اتفاقی یعنی ظلم به سیدالشهدا(ع) در عاشورا رخ می‌دهد و مقدمات آن را در درباره اینکه چه شد عاشورا سال ۶۱ اتفاق افتاد را می‌خوانیم، مشاهده خواهیم کرد این امر نتیجه بی‌توجهی به قرآن بوده است. اگر قرآن به تمام معنا جریان داشت و در زندگی مردم جاری بود، نه اینکه فقط بر زبان بود، این اتفاقات هم نمی‌افتاد. قرآن در آیات مختلف چندین بار به مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم امر می‌کند از عبودیت و حکمرانی طاغوت اجتناب کرده و به عبودیت الله تن دهند. خداوند در سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ یعنی ما در هر امتی پیامبری برای شما فرستادیم که از طاغوت دوری کنید و خداوند را بپرستید. یا اینکه در سوره زمر داریم: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ» که در این آیه خداوند به آنهایی که به حکومت طاغوت پشت می‌کنند و به خداوند رو می‌آورند، بشارت رحمت الهی می‌دهد. در سوره نسا نیز می‌خوانیم: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَهُكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ